




The University of Tehran Press

Criminal Responsibility of Individuals in the Special Tribunal for Lebanon

Seyed Hossien Mousavi Far¹  | Abbas Shiekholeslami²  | Keivan Eghbali³ 

1. Corresponding Author; Assistant Professor of Department of Criminal Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. Email: Sh.mousavifar@um.ac.ir
2. Associate Professor of Faculty of Law, Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: dr.sheikholeslami@gmail.com
3. Judiciary Research Institute, Tehran, Iran. Email: keivan_eghbali@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1205-1228</p> <p>Received: 2021/11/01</p> <p>Received in revised form: 2022/04/3</p> <p>Accepted: 2022/05/22</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <p>Keywords: <i>Special tribunal for lebanon, assassination of rafik hariri, international criminal law, lebanese domestic criminal law, criminal responsibility of individual.</i></p>	<p>The Lebanese Special Court is a special tribunal established after 2005 assassination of Lebanese politician Rafik Hariri by Security Council with the aim of investigating the assassination and related assassinations and punishing their perpetrators. In this regard, although the statute of the court and its judicial procedure, have made great efforts to a kind of reconciliation between international criminal law and Lebanese domestic criminal law in the field of Criminal responsibility of Individuals. The present study is an attempt to evaluate the procedure of the mentioned court in a descriptive-analytical manner from the perspective of pursuing the criminal responsibility of individuals as well as the fight against the phenomenon of terrorism. The review of the court's practice in the process leading up to the August 18, 2020 verdict indicates that some major shortcomings remain in the institution's achievement of its goals. Recognizing the possibility of a trial in absentia and relying of The Lebanese Special Court on such trials is not only a threat to the human rights of these individuals, but also it seems that the court has not been very successful in providing a comprehensive definition of terrorism as well as in combating the phenomenon of impunity for terrorist acts.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mousavi Far, Seyed Hossien; Shiekholeslami, Abbas; Eghbali, Keivan (2024). Criminal Responsibility of Individuals in the Special Tribunal for Lebanon. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (2), 1205-1228. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.333286.2927</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsq.2022.333286.2927</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵۴، شماره ۲

تابستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

مسئولیت کیفری افراد در دادگاه ویژه لبنان

سید حسین موسوی فر^۱ | عباس شیخ الاسلامی^۲ | کیوان اقبالی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

رایانامه: Sh.mousavifar@um.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: dr.sheikholeslami@gmail.com

۳. عضو هیات علمی پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران. رایانامه: keivan_eghballi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۲۰۵-۱۲۲۸</p> <p>تاریخ دریافت: ۴۰۰/۰۸/۱۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/--</p> <p>کلیدواژه‌ها: دادگاه ویژه لبنان، ترور رفیق حریری، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق کیفری داخلی لبنان، مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی.</p>	<p>دادگاه ویژه لبنان پس از ترور رفیق حریری سیاستمدار لبنانی در سال ۲۰۰۵، از سوی شورای امنیت با هدف رسیدگی به این ترور و ترورهای مرتبط با آن و مجازات عاملان آن‌ها تشکیل شده است. در اساسنامه دادگاه و رویه قضایی آن تلاش فراوانی شده تا نوعی تطابق میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری داخلی لبنان در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی برقرار شود. بر این مبنای، در تحقیق حاضر سعی شده تا با روشی توصیفی-تحلیلی به ارزیابی کارنامه دادگاه مزبور از منظر پیگیری مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی همچنین مبارزه با پدیده تروریسم پرداخته شود. بررسی رویه عملی دادگاه در فرایند منتهی به صدور رأی ۱۸ آگوست ۲۰۲۰، حاکی از باقی ماندن برخی نارسایی‌های عمده در مسیر دستیابی این نهاد به اهداف خود است. شناسایی امکان محاکمه غیابی متهمان و تکیه دادگاه بر این‌گونه دادرسی، نه تنها تحدیدی برای تضمین حقوق بشر این افراد به‌شمار رفته، بلکه به‌نظر می‌رسد که نهاد یادشده در ارائه تعریف جامع و عام‌الشمول از تروریسم، همچنین مبارزه با پدیده بی‌کیفرمانی اعمال تروریستی نیز توفیق چندانی کسب نکرده است.</p>
استناد	موسوی فر، سید حسین، شیخ الاسلامی، عباس؛ اقبالی، کیوان (۱۴۰۳). مسئولیت کیفری افراد در دادگاه ویژه لبنان. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۲)، ۱۲۰۵-۱۲۲۸. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2022.333286.2927
DOI	10.22059/jplsq.2022.333286.2927
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵، نخست‌وزیر اسبق لبنان، رفیق حریری، به همراه ۲۱ نفر دیگر در انفجار یک خودرو انتحاری در بیروت، پایتخت لبنان کشته شدند. آثار منفی گسترده این ترور بر آرامش جامعه لبنان و ملت‌هپ شدن فضای این کشور پس از حادثه مذکور، سبب شد تا فواد سنیوره^۱ نخست‌وزیر وقت لبنان، اجازه آغاز تحقیقات بین‌المللی در مورد ترور مزبور را صادر کند. این تحقیقات در ژوئن ۲۰۰۵ آغاز شد و در نهایت در سال ۲۰۰۷ میلادی و با صدور قطعنامه ۱۷۵۷ شورای امنیت ملل متحد، منتهی به تأسیس دادگاه بین‌المللی ترور رفیق حریری شد. دادگاهی که در ابتدا به دنبال کشف قرائنی برای متهم کردن سوریه برآمده بود، اما به دلیل نبود ادله و خروج نیروهای سوری از لبنان، تغییر رویکرد داد و انگشت اتهامات را به سمت حزب‌الله بازگرداند.

دادگاه ویژه لبنان در ۱۸ اوت ۲۰۲۰ میادرت به صدور رأی نهایی خود کرد که در آن به بررسی موارد اتهامی علیه چهار عضو حزب‌الله مشتمل بر سلیم جمیل عیاش، حسن حبیب مرعی، اسد حسن صبرا و حسین حسن اونیسی پرداخته شده است. مستندات مورد تأکید دادگاه در این رأی، تماس‌ها و پیامک‌های کوتاه مربوط به ارتباطات این اشخاص در خصوص رصد فعالیت‌های روزانه حریری است که پس از چند سال تجزیه و تحلیل توسط متخصصان، روی میز قضات نهاده شده بودند (STL, 2020: 1-2682). از منظر دادگاه، نامبردگان، متهم به مشارکت در توطئه برای ترور رفیق حریری بوده و نوعی توافق برای توطئه وجود داشته است. با این حال، در نهایت تنها «عیاش» به دلیل استفاده از شبکه‌های ارتباطی خاصی که وجود آنها در طراحی و اجرای توطئه ترور حریری محرز بود، مجرم شناخته شده و سه نفر دیگر تبرئه می‌شوند (STL, 2020: 1-2682).

مقاله حاضر در ابتدا و به طور مختصر به مبانی مسئولیت اشخاص حقیقی در حقوق بین‌الملل کیفری با تأکید بر مباشرت، معاونت و مشارکت در جرم؛ همچنین دو مفهوم مسئولیت مشترک کیفری و مسئولیت فرمانده با نگاهی به رویه قضایی می‌پردازد. در ادامه نیز مسئله صلاحیت در دادگاه ویژه لبنان و چگونگی احراز آن، همچنین مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در دادگاه مذکور، با نگاهی به اساسنامه و رویه قضایی آن بررسی می‌شود. در نهایت هم کارنامه عملی دادگاه ویژه لبنان، از منظر رعایت حقوق متهمان، ارائه تعریف جامع از تروریسم و همچنین مبارزه با پدیده بی‌کیفرمانی اعمال تروریستی، بر مبنای آرای صادره توسط دادگاه مزبور ارزیابی خواهد شد.

۲. ملاحظات کلی در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص در حقوق بین الملل

مسئولیت کیفری اشخاص در حقوق بین الملل نه تنها پذیرفته شده، بلکه یکی از اصول کلی حقوقی آن به شمار می‌رود (Bassiouni, 1990: 768-811).

مسئولیت کیفری اشخاص برای اولین بار در دادگاه نورنبرگ و توکیو که برای رسیدگی به جنایات ارتكابی از سوی نظامیان آلمانی و ژاپنی در طول جنگ جهانی دوم تشکیل شده بودند، مطرح گردید؛ دادگاه‌هایی که در اساسنامه و آرای صادرشده توسط آنها، امکان شناسایی مسئولیت بین‌المللی کیفری برای اشخاص جدا از دولت متبوع ایشان، مورد تأکید قرار گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۷۸) بعدها این نوع از مسئولیت در اساسنامه‌های همه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مانند دادگاه‌های یوگسلاوی سابق (Evans, 2007: 429) و رواندا نیز وارد شد (Statute Of ICTR, 1994: Art.7). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هم در ماده ۲۵ خود توضیح کاملی از مسئولیت کیفری اشخاص ارائه کرده و نکته مهم در این ماده آن است که مسئولیت کیفری در حقوق کیفری داخلی با حقوق بین‌الملل کیفری متفاوت است. در حقوق کیفری داخلی یک شخص به دلیل نتیجه عینی مجرمانه عمل خود مجازات می‌شود، در حالی که مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری برای اعمالی است که شخص در حوزه‌های جمعی و رفتار نظام‌مند مرتکب می‌شود (Ambos, 2011: 746).

علاوه بر این، در قلمرو مسئولیت کیفری افراد و در رابطه با مفاهیم مباشرت، شرکت، معاونت، جرائم گروهی و سازمان‌یافته تفاوت‌هایی در حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی وجود دارد. عناوین بدیعی نظیر فرماندهی، اداره، طراحی، برنامه‌ریزی، دستور، حمایت و پشتیبانی، قدرت کنترل و مطلع بودن در مبحث معاونت در حقوق کیفری بین‌المللی، عناوینی هستند که جایگاهی برای آنها در حقوق جزای کشورها مشاهده نمی‌شود. در مقابل و در حقوق داخلی نیز در مباحثی همچون شرایط معاونت، عناوینی نظیر استعاری بودن، مستقیم بودن، مصادیق فعل مثبت حصری بودن، ارتکاب عمل معاونت قبل یا مقارن با عمل، وحدت قصد و عمد (نه کوتاهی و قصور و صرف آگاهی) وجود دارد که در حقوق کیفری بین‌الملل جایگاهی برای آنها مشاهده نمی‌شود.^۱

۱.۲. تحریک، طراحی و معاونت در ارتکاب جرم توسط یک فرد

مسئولیت مستقیم در ارتکاب جرم به معنای مشارکت مستقیم فرد در انجام عمل مجرمانه طبق حقوق

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۶۲

بین‌المللی کیفری است که عبارت از نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوزند. اما با این حال، باید به این نکته توجه کرد که اساساً افراد مورد محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، خود فی‌نفسه چنین جرائمی را مرتکب نمی‌شوند و این جرم از سوی زیردستان آنها ارتکاب می‌یابد. به همین دلیل در اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری به این نوع جرائم توجه ویژه‌ای شده است. بر این اساس، ارتکاب جرم در حقوق بین‌المللی کیفری صرف‌نظر از موارد فوق، به‌صورت تلاش برای ارتکاب جرم، تحریک به ارتکاب جرم^۱، معاونت در ارتکاب جرم^۲ و حتی در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا به شکل توطئه نیز شناسایی شده است (Bogdan, 2006: 79).

از نظر دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی در قضیه بلاسکیچ شرایط مشترک احراز طراحی، تحریک و دستور به ارتکاب جرم این است که شخص موردنظر، مستقیم یا غیرمستقیم وقوع جرم را مدنظر داشته باشد. در تحریک، شرط احراز عنصر مادی این جرم، داشتن نقشه یا طرح قبلی است و باید رابطه علی و معلولی میان تحریک و تحقق عنصر مادی جرم احراز شود (ICTY, 2000: 278). در طراحی هم می‌بایست احراز شود که یک یا چند شخص طراحی ارتکاب یک جرم، یعنی هم مراحل آماده‌سازی ارتکاب جرم و هم مراحل اجرایی جرم را از قبل برنامه‌ریزی کرده باشند (ICTY, 2000: 279).

درباره معاونت در جرم، دیوان کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه فروندیزیا^۳ می‌گوید: شرایط حقوقی معاونت در حقوق بین‌المللی کیفری عبارت است از: عنصر مادی شامل کمک عملی، تشویق یا حمایت اخلاقی که تأثیر عمیقی بر ارتکاب جرم دارد؛ و عنصر معنوی شامل آگاهی از اینکه اعمال انجام‌گرفته، ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند (ICTY, 1998: 249).

طبق نظر دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه پریسیچ^۴، برای تحقق جرم معاونت باید اثبات شود که کمک متهم، نه‌تنها تسهیل‌کننده ارتکاب جرم بوده، بلکه تأثیر بنیادینی بر ارتکاب آن داشته است (ICTY, 2013: 71).

مسئله‌ای که در اینجا جلب توجه می‌کند، آن است که ارتکاب جرم همواره توسط یک فرد نیست، بلکه گاهی به‌صورت گروهی انجام می‌پذیرد. در این حالت، نمی‌توان به‌درستی تمامی اعمال مجرمانه را به یک شخص خاص منتسب کرد. همین مسئله سبب شد تا دیوان‌های بین‌المللی کیفری خود، مبادرت به ایجاد قواعدی خاص برای مجازات این قبیل افراد نمایند. اهمیت این موضوع آنجاست که طبق اصل

1. Solicitation
2. Aid and abetting
3. Furundizia
4. Perišić

معروف «هیچ جرمی بدون مجازات نمی ماند»^۱، باید به تمامی جرائم رسیدگی و مرتکبان آن را مجازات کرد؛ مسئله‌ای که در قضیه هادزی حسنویچ^۲ به عنوان یک قاعده آمره در حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است (ICTY, 2003: 53). با توجه به مطالب مذکور، دو نوع مسئولیت کیفری مورد توجه محاکم بین المللی کیفری عبارت‌اند از: مشارکت مستقیم کیفری و مسئولیت فرمانده.

۲.۲. مشارکت مستقیم کیفری

مشارکت مستقیم کیفری^۳ از ابداعات دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ^۴ است. دادگاه در این قضیه با بررسی رویه قضایی برجای مانده پس از پایان جنگ جهانی دوم، مبادرت به تقسیم بندی مشارکت مستقیم کیفری به سه دسته ذیل می کند:

الف) شکل مقدماتی که در آن عمل مشارکت کنندگان بر اساس «طراحی کلی» یا «مشارکت کلی» با «قصد کلی» بوده است (ICTY, 1999: 188).

ب) شکل نظام مند که در آن جرائم با طرحی کلی یا همان هدف کلی، توسط اعضای یک واحد نظامی یا اداری ارتکاب می یابند (ICTY, 1999: 189).

ج) شکل بسیط؛ که در چارچوب آن، اگرچه اعمال ارتکاب یافته توسط فرد مشارکت کننده، دقیقاً بر اساس طرح کلی صورت نگرفته، اما می توان آن را نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی اجرای طرح محسوب کرد (ICTY, 1999: 190).

در همین زمینه، عناصر عینی هریک از اشکال فوق را چنین می توان نام برد: کثرت افراد، وجود یک طرح کلی و یا هدف و مشارکت متهم در کمک و پشتیبانی در اجرای آن به هر صورت ممکن (Ambos, 2007: 106).

در قضیه تادیچ، دادگاه اعلام می دارد که بند ۱ ماده ۷ اساسنامه مربوط به ارتکاب فیزیکی جرم به وسیله خود مجرم یا ترک فعل بوده، اما ارتکاب هریک از جرائم مندرج در مواد ۲ تا ۵ اساسنامه ممکن است به وسیله مشارکت در تحقق یک هدف یا طرح کلی انجام گیرد.

(ICTY, 1999: 185). بررسی رویه قضایی دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق،

نشان دهنده رابطه ای میان «طرح کلی» و «عناصر مشترک قصد» بوده و دادگاه مزبور این موارد را در

1. nullum crimen sine lege
2. Hadzihanovic
3. Joint Criminal Enterprise(JCE)
4. Tadic

رابطه با یکدیگر بررسی کرده است (Cupido, 2014: 137). علاوه بر این، دیوان در بررسی روابط شخصی میان افرادی که دارای مسئولیت مشترک کیفری هستند، اشکال همکاری و جهت‌گیری مشترک میان نهادهای نظامی و سیاسی را مدنظر قرار می‌دهد (Cupido, 2014: 137).

نکته مهم آنکه به نظر می‌رسد که هیچ‌گاه در یک پرونده، هر سه نوع مسئولیت مشترک کیفری یک‌جا تحقق نمی‌یابند. برای مثال، در پرونده کوپرنیچ^۱ در دادگاه یوگسلاوی، نامبرده عضوی فعال از گروه مجرمان به‌شمار رفته، چراکه از حمله طراحی شده مطلع بوده و آماده مشارکت در آن بوده است (ICTY, 2000: 418).

در پرونده کایشما^۲ و اوید روزیدانا^۳ در دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا هم این دو فرد به دلیل تلقی شدن به‌عنوان فرمانده سربازان دخیل در کشتار مردم، مجرم شناخته شدند، چراکه طراحی این کشتار به وسیله آنها صورت گرفته بود (ICTR, 1999: 25-31). در دادگاه کیفری سیرالئون نیز در قضیه موریس کالون^۴، نامبرده به دلیل طراحی کشتارهای روی داده به استناد همین دکتترین، گناهکار اعلام شده است (STS, 2003: 24).

۳.۲. مسئولیت فرمانده

مسئولیت فرمانده از دیرباز به‌عنوان یک قاعده در حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است (Meloni, 2007: 619). در این معنا، یک فرمانده مسئول اعمال زیردستان خود است، حتی اگر در انجام فعل مجرمانه توسط ایشان مشارکت نکرده باشد.

(Milanovic, 2007: 1143) در همین زمینه، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده کووچا^۵ چنین بیان می‌دارد: رویه قضایی دیوان‌های کیفری نشان می‌دهد که سه عامل ذیل باید برای اثبات مسئولیت یک فرمانده احراز شود: ۱. وجود یک رابطه مادون و مافوق بین متهم و مرتکب جرم، ۲. وجود جرم عمده و ۳. اطلاع فرمانده از اینکه افراد زیردستش مرتکب این جرم شده باشند (ICTY, 2001: 413). طبق ماده ۲۸ اساسنامه رم، فرمانده یک گروه نظامی، در صورتی که می‌دانسته یا باید می‌دانسته که افراد زیردست وی درصدد ارتکاب جرم بوده و یا وجود این در اتخاذ اعمال بازدارنده علیه آنها کوتاهی کرده باشد، مسئول اعمال زیردستان خود تلقی می‌شود (Evans, 2007: 428-477). تفاوت

1. Kupernic
2. Kayishema
3. Obed Ruzindana
4. Morris Kallon
5. Kvočka

مهم مسئولیت فرمانده با دکتترین مسئولیت مشترک کیفری در این است که مسئولیت فرمانده نه فقط شامل افراد نظامی، بلکه شامل غیرنظامیان نیز می‌شود (Vetter, 2000:103, Para.94).

در مورد مسئولیت مقام ارشد غیرنظامی، قضیه آکایسو^۱ در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نمونه بسیار خوبی به‌شمار می‌آید. از نظر دادگاه مذکور، آکایسو که در زمان وقوع نسل‌کشی، دارای سمت شهردار و به‌تبع آن موظف به حفظ نظم و امنیت منطقه تحت مدیریت خود بوده، هیچ تلاشی برای جلوگیری از وقوع کشتار در شهر تحت کنترل خود انجام نداده و حتی هیچ درخواست کمکی از نیروهای ملی و محلی برای جلوگیری از گسترش خشونت منجر به این کشتار هم نکرده است (ICTR, 1998: 12-25).

در قضیه کایشما و روزیندانا، دادگاه رواندا نه‌تنها نامبردگان را به‌سبب برخورداری از سمت فرماندهی و عدم هرگونه تلاش برای جلوگیری از وقوع کشتار توسط افراد زیردست، بلکه به‌علت عدم مجازات عاملان پس از وقوع کشتار نیز دارای مسئولیت اعلام کرده است (ICTR, 1999: 25-31). همچنین در قضیه عیسی حسن^۲ در دادگاه سیرالئون، دادگاه، نخست مسئولیت مشترک کیفری را احراز و سپس نامبرده را از منظر مسئولیت فرمانده مجرم شناخته است (STS, 2003: para.20).

مسئله دیگر در ارتباط با تفکیک مسئولیت فرمانده نظامی و مقام ارشد غیرنظامی مطرح بوده که به موجب آن، فرمانده نظامی باید اطلاعات را یک‌به‌یک و به‌صورت جدی پیگیری کرده و بنابراین بر خلاف مقام غیرنظامی، صرف شناسایی سهل‌انگاری ناآگاهانه برای احراز مسئولیت وی کفایت کند (Ambos, 2011: 630).

۳. مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در دادگاه ویژه لبنان

در این بخش و پس از بررسی مبانی مسئولیت کیفری افراد از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، وضعیت و عملکرد دادگاه لبنان در این حوزه بررسی خواهد شد.

۱.۳. مسئله صلاحیت دادگاه ویژه لبنان

طبق اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، این دادگاه از صلاحیت رسیدگی به جرائم افراد مسئول حمله ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که به کشته شدن رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان و ۲۰ تن دیگر منجر شد، برخوردار است. علاوه بر این، دادگاه از اختیار رسیدگی به حملات صورت‌گرفته در لبنان از تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ یا هر تاریخی بعد از آنکه از لحاظ ماهیت و شدت مشابه و مرتبط با حمله ۱۴ فوریه باشند نیز برخوردار است. رابطه

1. Akayesu
2. Issa Hassan

میان این جرائم و ترور رفیق حریری، شامل ترکیبی از قصد مجرمانه، هدف پشت پرده حملات، ماهیت قربانیان، الگوی حملات و مرتکبان بوده، اگرچه تنها محدود به این موارد نخواهد بود. Statute of STL, Art.1 (2007). نکته مهم آنکه، دادگاه‌های داخلی لبنان همچنان از صلاحیتی هم‌عرض با دادگاه ویژه لبنان برخوردارند، اگرچه اولویت رسیدگی با دادگاه اخیر در نظر گرفته شده است. Statute of STL, 2007: Art.4, Para.1. بر این اساس، در صورتی که دادگاه ویژه لبنان صالح به رسیدگی بوده اما پرونده در حال رسیدگی در دادگاه‌های داخلی لبنان باشد، این دادگاه‌ها موظفاند تا مدارک لازم مانند اسناد بازجویی را در اختیار دادگاه ویژه فوق قرار دهند (Statute of STL, 2007: Art.4, Para.3 a).

در اینجا اولین پرسشی که نیازمند پاسخ خواهد بود، این است که چرا می‌بایست یک دادگاه ویژه و نه دادگاه‌های داخلی لبنان به جرائمی که در داخل خاک لبنان روی داده، رسیدگی کند؟ اساساً میان صلاحیت دادگاه ویژه لبنان و دادگاه‌های داخلی این کشور سلسله‌مراتب افقی و به طریق اولی^۱ عمودی وجود ندارد. این مسئله مورد توجه خود دادگاه لبنان هم قرار گرفته و نهاد مزبور در تصمیم صلاحیتی خود در سال ۲۰۱۰ به این نکته اشاره کرده است. دادگاه در این تصمیم با استناد به رأی صلاحیتی قضیه تادیج در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، این وضعیت را ناشی از غیرمتمرکز بودن و یکپارچه نبودن نظام قضایی بین‌المللی می‌داند (STL, 2010: Para.41).

دادگاه ویژه لبنان بر این نظر است که ذاتاً دادگاه‌های بین‌المللی، به‌ویژه مراجع تأسیس شده توسط شورای امنیت ملل متحد، صلاحیتی گسترده‌تر از دادگاه‌های داخلی دارد و برای اثبات مدعای خود به رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، دادگاه سیرالئون، دیوان آمریکایی حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر، همچنین دیوان داوری ایران و آمریکا و دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار استناد می‌کند (Statute of STL, 2007: Para.43).

از آنجایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان رکن اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمل می‌کند، می‌تواند تصمیماتی در این زمینه اتخاذ کند که در ظاهر ممکن است با برخی قواعد حقوقی ناسازگار باشند. طبق فصل هفتم منشور، شورا قادر است تا در مسیر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ارکان فرعی برای خود تأسیس کند که تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی هم در همین چارچوب، امکان‌پذیر خواهد بود. از طرف دیگر، طبق منشور ملل متحد اگرچه تصمیمات سازمان برای تابعان غیرعضو ملل متحد اعم از کشورها، بازیگران غیردولتی و اشخاص الزام‌آور تلقی نشده، با این حال تصمیمات شورا طبق فصل هفتم منشور نوعی استثنا به‌شمار می‌رود و برای همه اعضای جامعه بین‌المللی اعم از دولت‌ها و تابعان غیردولتی

لازم‌الاجرا خواهد بود. البته این مسئله را نباید فراموش کرد که صلاحیت دادگاه ویژه لبنان نامحدود نیست؛ چراکه طبق اصل عدم محاکمه مجدد یک فرد برای ارتکاب یک عمل^۱ که در اساسنامه دادگاه لبنان هم انعکاس یافته، نمی‌توان افرادی را که در دادگاه‌های داخلی لبنان محاکمه و محکوم شده‌اند، دوباره در دادگاه مزبور محاکمه کرد. (United Nations Security Council, 2006: Art.5, Para.1).

البته در صورتی که مشخص شود که روند رسیدگی در دادگاه داخلی لبنان بی‌طرفانه نبوده و با هدف مصون نگاه داشتن متهم یا متهمان از احراز مسئولیت کیفری ایشان صورت گرفته است، امکان محاکمه مجدد آن‌ها وجود خواهد داشت (Statute of STL, 2007: Art.5, Para.2).

این مسئله از آن حیث اهمیت دارد که ممکن است حملات تروریستی مشمول در بازه زمانی مطرح شده در ماده ۱ اساسنامه، قبلاً به وسیله دادگاه‌های داخلی لبنان رسیدگی شده، اما دادگاه به دلایلی ارتباط این حملات با ترور رفیق حریری را احراز کند. در چنین مواردی، از آنجایی که اثبات این رابطه علی و معلولی به راحتی امکان پذیر نیست و از طرفی هیچ جرمی نباید بدون مجازات بماند، بدیهی است که رسیدگی به حملات فوق به وسیله دادگاه ویژه لبنان ضرورت خواهد داشت.

۲.۳. مسئولیت کیفری در دادگاه ویژه لبنان

برخلاف دیگر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، قواعد حقوقی حاکم بر دادگاه ویژه لبنان برای رسیدگی به ماهیت قضایی مطروحه، حقوق کیفری داخلی لبنان است. به موجب اساسنامه این دادگاه:

مقررات قانون کیفری لبنان در رابطه با تعقیب و مجازات تروریسم، جرائم علیه حیات و تمامیت اشخاص، انجمن‌های غیرقانونی و ناتوانی در گزارش جرائم شامل قواعد مربوط به عناصر مادی جرم، مشارکت کیفری و توطئه، مواد ۶ و ۷ قانون «تشدید جرائم برای جنگ داخلی، اغتشاش و اختلافات میان مذاهب» مصوب ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸ خواهد بود (Statute of STL, 2007: Art.2).

در اساسنامه مزبور بخشی هم به مسئولیت اشخاص حقیقی اختصاص داشته و بر اساس آنچه در اساسنامه‌های دیگر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یا به تعبیری، حقوق بین‌الملل کیفری هم اعمال می‌شود، انواع مسئولیت‌های در نظر گرفته شده، عبارت‌اند از: ارتکاب، همدستی، سازماندهی یا دستور به دیگران برای ارتکاب جرم، (Statute of STL, 2007: Art.3. Para.1)، قصد کلی و مسئولیت فرمانده. (Statute of STL, 2007: Art.3, Para.2) پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر مقررات قانون کیفری لبنان با قواعد حقوق بین‌الملل کیفری تعارض داشته باشد، کدامیک را باید اعمال

کرد؟ پاسخ به این پرسش، به‌ویژه از این حیث مهم است که طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، حکم به مجازات باید به موجب قانون کاملاً روشن باشد، به‌گونه‌ای که حقوق متهم به‌درستی رعایت شود. بر این اساس، در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای سیرالئون، به‌عنوان یک دادگاه مختلط که در آن حقوق داخلی سیرالئون در کنار حقوق بین‌الملل کیفری اعمال می‌شود، در ماده ۵ به امکان رسیدگی به جرائم منطبق با حقوق داخلی سیرالئون (سوءاستفاده از دختران و تخریب آگاهانه اموال) و در ماده ۶ به امکان رسیدگی به جرائم مطابق با حقوق بین‌الملل کیفری اشاره شده است. در همین زمینه، در ماده ۷ اعلام شده است که در رسیدگی به جرائم مقرر در ماده ۵، محاکمه فرد متهم بر اساس قوانین سیرالئون انجام خواهد شد (Statute of STS, 2002: Arts.5, 6, 7).

این در حالی است که اساسنامه دادگاه ویژه لبنان دارای چنین مقرره‌ای نیست. در این زمینه، دادگاه لبنان در ۱۶ فوریه ۲۰۱۱، نظری تمهیدی به درخواست قاضی تحقیق صادر کرده که بخش مهمی از آن به هماهنگی میان مواد ۳ و ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان اختصاص یافته است. در این خصوص، قاضی تحقیق پرسش ذیل را مطرح کرده است:

آیا برای اعمال مسئولیت‌های کیفری در دادگاه، باید حقوق کیفری لبنان اعمال شود یا حقوق بین‌الملل یا هر دو؟ در مورد ارتکاب به جرم و مشارکت در جرم، در صورتی که بخواهیم هر دو را اعمال کنیم، طبق کدام اصول تعارضات بین این دو حل می‌شود؟ (STL, 2011: 204)

پرسشی که دادگاه ویژه لبنان در مقام پاسخ به آن، راه‌حل زیر را ارائه می‌دهد:

«۱. در هر قضیه می‌بایست ارزیابی شود که آیا در اعمال حقوق کیفری لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری که در ماده ۳ آمده، تعارضی وجود دارد یا خیر؟ ۲. در صورت نبود چنین تعارضی، حقوق کیفری لبنان اعمال می‌شود. ۳. در صورت وجود چنین تعارضی، از آن دسته قواعد حقوقی استفاده می‌شود که مساعدتر به حال متهم باشد» (STL, 2011: 211).

۱.۲.۳. انواع مسئولیت‌های کیفری اشخاص حقیقی در دادگاه ویژه لبنان

دادگاه ویژه لبنان در تصمیم تمهیدی خود به سه نوع مسئولیت برای اشخاص حقیقی اشاره کرده که به‌ترتیب عبارت‌اند از: الف) ارتکاب و مشارکت ب) همدستی (معاونت در جرم) ج) مشارکت در یک گروه با هدف مشترک.

۱.۱.۲.۳. مباشرت و مشارکت

دادگاه ویژه لبنان در نظر تمهیدی خود با اشاره به ماده ۲۱۲ قانون کیفری لبنان اعلام می‌دارد که مرتکب

جرم^۱ کسی است که عناصر اصلی جرم به دست وی انجام شده و بنابراین مستقیماً در ارتکاب جرم شرکت دارد. اعمال چنین شخصی باید هم دارای عناصر ذهنی و هم عناصر عینی جرم باشد. در همین زمینه و طبق ماده ۲۱۳ قانون کیفری لبنان، شریک جرم^۲ نیز کسی است که در اجرای این عناصر شرکت کرده باشد (STL, 2011: 213). به عبارت بهتر، شریک جرم می‌بایست همان عملی را انجام داده باشد که مرتکب انجام داده است. برای نمونه، شلیک دوم به قربانی که بعد از شلیک اول توسط مرتکب، همچنان زنده مانده باشد. (STL, 2011: 214)

بر همین اساس، دادگاه لبنان با بررسی حقوق بین‌الملل کیفری در این حوزه، به این نتیجه می‌رسد که به دلیل همپوشانی حقوق داخلی لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری با یکدیگر، در این موارد، می‌بایست حقوق کیفری لبنان را اعمال کرد (STL, 2011: 217).

این نتیجه‌گیری در رویه بعدی دادگاه هم مورد قبول قرار گرفته و در قضیه موسوم به عیاش و دیگران، دادستان در مورد یکی از متهمان به نام آقای بدرالدین^۳، با اشاره به نبود هیچ تعارضی میان حقوق کیفری لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری، ماده ۲۱۲ قانون کیفری لبنان را مشابه با بند ۱ ماده ۳ اساسنامه دادگاه اعلام می‌دارد (STL, 2011: 54).

۲.۱.۲.۳. معاونت در جرم

در خصوص مبحث معاونت در جرم، دادگاه ویژه لبنان در تصمیم تمهیدی خود، با توجه به ماده ۲۱۹ قانون کیفری لبنان، سه عنصر را برای احراز این نوع از معاونت برمی‌شمارد: ۱. درک فوری یا دیر هنگام از جرم، ۲. کمک‌رسانی آنچنان که در ماده ۲۱۹ مدنظر است، یعنی فراهم کردن وسایل ارتکاب جرم، مخفی کردن وسایل و غیره و ۳. ارتکاب رفتاری که مرتکب اصلی انجام داده و آن رفتار سبب ارتکاب جرم شده است. اگرچه معاونت می‌تواند قبل از ارتکاب جرم، در حین یا حتی بعد از ارتکاب جرم محقق شود (STL, 2011: 219).

در اینجا نیز دادگاه ویژه لبنان در تصمیم تمهیدی خود، همانند مورد قبل به مقایسه میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق داخلی لبنان مبادرت می‌ورزد. از نظر دادگاه شباهت‌هایی میان عنصر عینی در جرم معاونت در حقوق داخلی لبنان با حقوق بین‌الملل کیفری وجود داشته، چراکه در حقوق بین‌الملل

1. Perpetrator(Auteur)
2. Co-perpetrator(co-Auteur)
3. Baadraddin

کیفری دو عنصر مورد نیاز برای تحقق معاونت عبارت‌اند از: ۱. آگاهی^۱ یا دانستن^۲ اینکه مرتکب اصلی از این کمک برای ارتکاب جرم بهره می‌برد؛ ۲. قصد^۳ کمک یا تشویق مرتکب اصلی به ارتکاب جرم. در عین حال، دادگاه اعلام می‌دارد که صرف آگاهی از تحقق یافتن جرم و یا در حال تحقق بودن آن، بدون ارتکاب هرگونه رفتار کمک‌کننده به ارتکاب جرم و یا در صورت ارتکاب رفتار مزبور، ناآگاهی فرد کمک‌کننده از وقوع جرم، موجبات تحقق معاونت در جرم را فراهم نمی‌کند (STL, 2011: 220).

در اینجا یکی از مواد تعارض میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق داخلی لبنان آشکار می‌شود، چراکه اولی تحقق دو عنصر و دومی تحقق سه عنصر را برای ارتکاب جرم معاونت ضروری تلقی می‌نمایند. در اینجا دادگاه ویژه لبنان با توجه به این نکته که در حقوق کیفری لبنان، آگاهی از وقوع جرم، حتی در صورت دیر هنگام بودن نیز در صورتی که در رابطه با آن جرم خاص باشد، سبب احراز معاونت می‌شود، چنین نتیجه می‌گیرد که اعمال حقوق کیفری لبنان برای حال متهم مساعدتر است (STL, 2011: 228).

اما مسئله مهم در اینجا این است که نظر تمهیدی دادگاه ویژه لبنان در سال ۲۰۱۱ صادر شده است و اگر قرار باشد قاعده‌ای مساعدتر به حال متهم اعمال شود، می‌بایست با توجه به رأی دادگاه کیفری یوگسلاوی در قضیه پریسیچ باشد. در قضیه عیاش و دیگران، اونیسی و صبرا دو متهمی هستند که از فردی به نام احمد ابوعداس^۴ به‌عنوان یک بمب‌گذار انتحاری دروغی استفاده کرده‌اند؛ نامبردگان این کار را با دانستن نیت مشارکت‌کنندگان در جرم برای اعمال تروریستی اصلی انجام داده‌اند (STL, 2011: 78).

به دیگر سخن، اگر فرض بر اعمال قاعده‌ای مساعد به حال متهمین باشد، با ماده ۲۱۹ قانون کیفری لبنان مواجهیم که اعلام می‌دارد باید توافقی کامل میان معاون جرم با مرتکب جرم بر سر ارتکاب جرم خاص وجود داشته باشد، مسئله‌ای که سبب می‌شود تا عنصر عینی به نفع متهم تفسیر شده، چراکه اثبات توافق فوق به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که به نظر می‌رسد دادگاه در ارتباط با عنصر ذهنی به سراغ حقوق بین‌الملل کیفری رفته که به موجب آن باید رابطه‌ای مستقیم میان عمل ارتكابی فریبکارانه و جرم اصلی وجود داشته باشد. طبق فرمول ارائه‌شده توسط دادگاه لبنان در تصمیم تمهیدی خود، می‌بایست قاعده حقوقی به‌طور کامل اعمال شود، بنابراین نمی‌توان به‌صورت سلیقه‌ای عمل کرده و در مورد یک قاعده یکی از ویژگی‌های آن را اعمال کرد و به دیگر خصوصیات قاعده توجهی نکرد. در نتیجه، می‌توان گفت که فرمول ارائه‌شده توسط دادگاه ویژه لبنان در اینجا، فاقد کارایی لازم خواهد بود.

1. Awareness
2. Knowledge
3. Intent
4. Ahmad Abu Adass

۳.۱.۲.۳. مسئولیت مشترک کیفری

از نظر دادگاه ویژه لبنان، بند ۱ «ب» ماده ۳ اساسنامه دادگاه کاملاً قادر است تا مسئولیت مشترک کیفری سه‌گانه را که در حقوق بین‌الملل کیفری به رسمیت شناخته شده است، در برگیرد. از منظر دادگاه، ذکر کلمه «هدف کلی»^۱ در این ماده به معنای در بر گرفتن انواع مسئولیت مشترک کیفری است (STL, 241: 2011). با وجود این، بررسی ماده ۳ اساسنامه دادگاه لبنان نشان‌دهنده آن است که شرایط شناسایی مسئولیت مشترک کیفری که در این ماده به رسمیت شناخته شده است، دامنه‌ای گسترده‌تر از دیگر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری دارد (Milanovic, 2007: 1143). به دیگر سخن، طبق ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، عمل متهم باید با هدف پیشبرد عمل مجرمانه یا هدف مجرمانه گروه در جایی که فعالیت یا هدف شامل ارتکاب جرم واقع در صلاحیت دادگاه باشد، صورت پذیرد

(Evans, 2007: Art.25, Para.3, d.i) درحالی‌که چنین شرطی در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان ذکر نشده است. در بند ۱ «ب» ماده ۳ به کمک متهم به ارتکاب جرم به وسیله گروهی از اشخاص اشاره شده که هدفی مشترک داشته و کمک مزبور یا عامدانه بوده و یا با هدف پیشبرد یک عمل واجد وصف کیفری کلی یا هدف گروه، آن هم با آگاهی از قصد گروه در ارتکاب جرم صورت گرفته باشد. بر این اساس می‌توان گفت که ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان در مورد جرائم ملی به کار رفته و به آن شکلی از مسئولیت بین‌المللی داده است که گسترده‌تر از مسئولیتی است که در دادگاه‌های بین‌المللی اعمال می‌شود (Elberling, 2008: 534). چنین وضعیتی به صورت جدی موجب تردید در اجرای اصل قانونی بودن جرم و مجازات در دادگاه ویژه لبنان می‌شود.

در همین زمینه اگرچه از دید دادگاه ویژه لبنان، حقوق کیفری لبنان مسئولیت مشترک کیفری را هم در برداشته، ولی این نوع مسئولیت شامل اعمال تروریستی نشده است، چراکه در نوع سوم مسئولیت مشترک کیفری، اثبات اینکه متهم همان قصد مجرم اولیه را دارد، لازم نیست؛ در نتیجه یک شخص می‌تواند به‌عنوان شریک جرم در جرمی که مستلزم اثبات قصد خاص^۲ است، محکوم شود، درحالی‌که قصد ارتکاب جرم مزبور را نداشته است (STL, 248: 2011). پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه باید تعارض موجود میان حقوق کیفری لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری در این زمینه را حل کرد.

از نظر دادگاه: «... یک چنین موقعیتی را این‌گونه می‌توان به لحاظ نظری تحلیل کرد: در چارچوب نوع سوم مسئولیت مشترک کیفری، جرم بعدی قابل پیش‌بینی را نمی‌توان عمل تروریستی (یا جرم

1. Common purpose

2. Dolus specialis

دیگری که نیازمند قصد خاص است) نامید، اما می‌توان آن را قتل که نیازمند قصد عام است، توصیف کرد. از طرف دیگر، طبق حقوق کیفری لبنان، زمانی می‌توان فردی را مرتکب اعمال تروریستی محسوب کرد که قصد مستنبط از وقایع در مورد او اثبات شود (قابل پیش‌بینی باشد که عمل تروریستی روی داده، ولو شخص متهم به‌طور خاص قصد گسترش ترور را نداشته است). اگر چنین پرونده‌ای به دادگاه نخستین ارجاع شود، با توجه به اوضاع و احوال موجود، نوع سوم مسئولیت مشترک کیفری را که مساعدتر به حال متهم است می‌توان اعمال کرد» (STL, 2011: 262).

در اینجا می‌توان با مقایسه بین دو نظر اعلام‌شده توسط دادگاه ویژه لبنان، نتیجه گرفت که از منظر این دادگاه نمی‌توان هر فردی را که مرتکب قتل شده دارای قصد ایجاد وحشت یا به تعبیری قصد ارتکاب عمل تروریستی به‌شمار آورد. در حقیقت، در اینجا دادگاه، رابطه عموم و خصوص مطلق میان جرم قتل و ارتکاب اعمال تروریستی برقرار کرده است؛ چراکه عمل تروریستی مستلزم ارتکاب به قتل محسوب می‌شود، درحالی‌که هر قتلی لزوماً به معنای ارتكابی عملی تروریستی نیست.

۳. ۲. ۱. ۴. مسئولیت فرمانده

همانند اساسنامه‌های دیگر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، در بند ۲ ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان هم به مسئله مسئولیت فرمانده اشاره شده است. در این زمینه دادگاه مزبور بر این نظر است که جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت تنها در صورت وجود قصد خاص اثبات شوند (STL, 2011: 249)؛ بنابراین می‌بایست این‌گونه نتیجه گرفت که در صورتی می‌توان فرمانده یا مقام ارشد را به‌دلیل مشارکت در ارتکاب اعمال تروریستی و با توجه به نظریه مسئولیت فرمانده محکوم کرد که وجود قصدی خاص احراز شده باشد. به عبارت بهتر، مقام ارشد یا فرمانده زمانی مسئولیت خواهند داشت که تروریسم قصد خاص آن‌ها بوده و نمی‌توان قصد را با توجه به اوضاع و احوال اثبات کرد.

۴. ارزیابی کارنامه دادگاه ویژه لبنان در عمل

دادگاه ویژه لبنان در قیاس دیگر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، دادگاهی منحصر به فرد محسوب می‌شود. این دادگاه نخستین دادگاهی است که به موجب معاهده‌ای مبتنی بر قطعنامه شورای امنیت تأسیس شده و به واقعه‌ای (ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان) رسیدگی کرده که در ذات خود می‌بایست به وسیله دادگاه‌های داخلی لبنان رسیدگی شود. قانون حاکم بر دادگاه در رسیدگی ماهوی به پرونده، قانون داخلی لبنان در نظر گرفته شده و دادگاه صلاحیت خود را منحصراً نسبت به جرائم مقرر در قوانین داخلی لبنان

اعمال می‌کند (آقائی جنت‌مکان، ۱۳۸۸: ۲۹). بر این اساس، صلاحیت موضوعی دادگاه محدود به اعمال قوانین کیفری لبنان در خصوص تعقیب و مجازات تروریسم، قوانین مربوط به جرائم علیه تمامیت جسمانی، مؤسسات غیرقانونی و خودداری از اعلام جنایت، است (آقائی جنت‌مکان، ۱۳۸۸: ۳۰). این صلاحیت موضوعی محدود، ویژگی خاص دیگری برای دادگاه لبنان را که همان تأسیس نخستین دادگاه بین‌المللی به قصد رسیدگی انحصاری به جنایت تروریسم باشد، ایجاد کرده است (بیگزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷). مسئله‌ای که در صورت موفقیت دادگاه ویژه لبنان در رسیدن به اهداف خود، نه‌تنها گام مهمی در راستای مبارزه با بی‌کیفری در حوزه مبارزه با تروریسم به شمار آمده، بلکه می‌توانست با ایجاد یک رویه قضایی شایسته، جامعه بین‌المللی را به تفاهم بر سر تعریف جامع‌تری از مفهوم تروریسم نزدیک‌تر کند (بیگزاده، ۱۳۸۸: ۱۸۳). با وجود این عملکرد دادگاه ویژه لبنان در دوران فعالیت ۱۵ ساله خود در این زمینه چندان رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد؛ چراکه تلاش دادگاه مزبور برای انطباق دادن تعریف موجود از تروریسم در قوانین لبنان با تعاریف موجود در این زمینه به موجب حقوق بین‌الملل کیفری، آنچنان که باید با استقبال جامعه بین‌المللی مواجه نشده است. در این مورد باید به ماده ۳۱۴ قانون کیفری لبنان اشاره کرد. این ماده، تعریفی قدیمی اما دقیق از تروریسم دارد (آقائی جنت‌مکان، ۱۳۸۸: ۳۰). طبق تعریف ارائه‌شده در این ماده: «اعمال تروریستی هر عملی است که با نیت ایجاد حالت ترس و از طریق به‌کارگیری ابزارهای ایجادکننده خطر عمومی همچون وسایل انفجاری، مواد آتش‌زا، تولیدات سمی یا مهلک و یا عوامل عفونی و میکروبی، ارتکاب می‌یابند» (Lebanese Criminal Code, 1943: Article.314). در این زمینه دادگاه ویژه لبنان در تلاش برای ادغام حقوق بین‌المللی کیفری با حقوق کیفری داخلی لبنان، مبادرت به ارائه تفسیری خاص از تعریف ماده ۳۱۴ کرده که ماحصل آن تعریف ذیل است: «تروریسم عبارت است از: الف) تدارک یک عمل جنایی (از قبیل قتل، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، حریق عمدی و اعمال مشابه)، ب) با هدف ایجاد وحشت عمومی (که معمولاً به ایجاد یک خطر عمومی می‌انجامد) و یا وادار کردن یک مرجع ملی یا بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی ج) به هنگامی که چنین عملی دارای ماهیت فرامرزی باشد» (STL, 2011: Para.85).

۱. در گزارشی که توسط مشاور حقوقی سازمان ملل متحد تهیه و توسط دبیر کل ارائه شده، عنوان شده است که ترور رفیق حریری و ترورهای دیگری که در بازه‌های زمانی نه چندان دوری از این ترور روی داده‌اند، مصادیقی از جنایت علیه بشریت هستند، جنایتی که در آن ضدیت علیه یک جمعیت غیرنظامی اهمیت ویژه‌ای دارد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ورله، ۱۳۸۸: ۶۳). با وجود این تمرکز بعدی دادگاه ویژه لبنان بر قوانین داخلی این کشور که در آن جنایات بین‌المللی جرم انگاری نشده، موجب شد تا دادگاه بر جرم تروریسم و تعریف آن بر طبق قانون لبنان متمرکز شود (آقائی جنت‌مکان، ۱۳۸۸: ۳۰).

با وجود این به نظر می‌رسد که تلاش دادگاه ویژه لبنان برای شناساندن تعریف خود از تروریسم به‌عنوان تعریفی جامع و برخوردار از ویژگی یک قاعده عرفی بین‌المللی، چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. به‌عبارت بهتر، نه تنها تلاش دادگاه برای انطباق قوانین داخلی لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری، فاقد شروط لازم برای چنین انطباقی تلقی می‌شود، بلکه از دید بسیاری از صاحب‌نظران عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، تلقی دادگاه از تعریف به‌عمل آمده، به‌عنوان تعریفی برخوردار از خصوصیات یک عرف بین‌المللی نیز چندان صحیح به‌شمار نمی‌رود.

از دید این صاحب‌نظران، اقدام دادگاه در تفسیر قانون لبنان به‌منظور ارائه تعریف جامع از تروریسم، فاقد شروط لازم برای تفسیر در این زمینه محسوب می‌شود. در این زمینه دادگاه ویژه لبنان خود نیز اذعان کرده که تنها در صورتی از امکان تفسیر قوانین داخلی این کشور با استناد حقوق بین‌الملل کیفری برخوردار است که اجرای این قوانین به نتایج نامعقول یا ناعادلانه و یا نتایجی مغایر با اصول و قواعد بین‌المللی الزام‌آور برای دولت لبنان، منجر شود (STL, 2011: Para.39). شرایطی که به‌نظر نمی‌رسد در ارتباط با ماده ۳۱۴ قانون کیفری لبنان در رابطه با مجازات و تعریف تروریسم وجود داشته باشد. به دیگر سخن، اساساً زمانی می‌توان به تفسیر یک ماده قانونی مبادرت ورزید که متن مزبور را بتوان دارای نوعی ابهام محسوب کرد، درحالی که متن ماده مورد اشاره، بسیار روشن به‌نظر می‌رسد و در بیش از نیم قرن گذشته، بارها مورد استفاده مستقیم دادگاه‌های داخلی لبنان قرار گرفته است. بنابراین ماده مذکور را به‌واقع نمی‌توان نیازمند تفسیر با استفاده از اصول حقوق بین‌الملل کیفری تلقی کرد (Clere, 2012: 11).

از سوی دیگر اجرای ماده ۳۱۴، هرگز تعهدات بین‌المللی دولت لبنان را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد و خدشه‌ای به حقوق فردی افراد هم وارد نمی‌کند؛ در واقع، چنانکه در ادامه اشاره خواهد شد، به‌نظر می‌رسد که این تعریف ارائه‌شده توسط دادگاه خواهد بود که با گسترش حوزه مسئولیت کیفری افراد، بر حقوق آنها تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت. (Clere, 2012: 13)^۱

در نهایت باید به خود تعریف به‌عمل آمده از تروریسم توسط دادگاه ویژه لبنان اشاره کرد که آن نیز بر خلاف ادعای دادگاه، فاقد خصوصیات یک عرف بین‌المللی به‌نظر می‌رسد. برای ساخت عرف، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: الف) وجود یک رویه عملی که واجد شرایط لازم باشد. ب)

۱. در این زمینه، حتی تلقی واقع‌تر و دقیق‌تری به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی را نیز صرفاً می‌توان به‌عنوان ماشه‌ای برای آغاز فرایند تشکیل دادگاه ویژه لبنان به ابتکار شورای امنیت و نه مجوزی برای اعمال حقوق بین‌الملل کیفری از منظر آغاز تعقیب جنایات بین‌المللی در دادگاه مزبور دانست؛ چراکه در اساسنامه به‌صراحت بر التزام دادگاه به اعمال قوانین داخلی لبنان در فرایند رسیدگی ماهوی به پرونده تأکید شده است (Clere, 2012: 13).

باور به اینکه عمل به رویه مذکور به واسطه وجود قاعده‌ای حقوقی الزام‌آور است (زر نشان، ۱۳۹۳: ۷۸). از این منظر، نه تنها نمی‌توان یک رویه واحد و هماهنگ میان اعضای جامعه بین‌المللی مبنی بر التزام به تلقی رفتار مندرج در تعریف دادگاه ویژه لبنان به‌عنوان اعمال تروریستی مشاهده کرد (Saul, 2012: 12)، بلکه اتفاق نظر چندانی در خصوص صحت عناصر به‌کاررفته در تعریف مزبور هم مشاهده نمی‌شود. به‌عبارت بهتر، دوسویه بودن عنصر نیت مجرمانه مندرج در تعریف دادگاه، در کنار گستردگی بسیار زیاد محدوده اعمال قابل ارزیابی شدن به‌عنوان مصادیق تروریسم، از طریق فرمول مورد استفاده توسط دادگاه، از جمله مواردی است که در نهایت می‌تواند به تلقی شدن اعمال بسیاری به‌عنوان عمل تروریستی منجر شود؛ اعمالی که از دید جامعه بین‌المللی، بخش از بزرگی از آن‌ها هرگز مصداق تروریسم به‌شمار نمی‌روند. (Clere, 2012: 13)

به‌عبارت دیگر، نیت مجرمانه مطرح‌شده در تعریف دادگاه مبنی بر ارتکاب عمل مجرمانه با هدف ایجاد وحشت عمومی (که به‌طور معمول به ایجاد یک خطر عمومی می‌انجامد) و یا وادار کردن یک مرجع ملی یا بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی، دارای دوسویه بوده که در صورت تأکید صرف بر سویه دوم، حتی اعمالی مانند برگزاری تظاهرات عمومی معترضانه توسط مخالفان دولت با هدف تحت فشار قرار دادن آن را هم می‌توان مصداقی از تروریسم به‌شمار آورد و راه برای سرکوب مخالفان یک دولت، تحت عنوان مبارزه با تروریسم باز گذاشت. در همین چارچوب، باز گذاشتن محدوده شمول مصادیق ارتکاب عمل جنایی داخل در تعریف ارائه‌شده از تروریسم توسط دادگاه، آنچنان حوزه وسیعی برای گنجانیدن اعمال گوناگون در مفهوم عمل جنایی موردنظر در این تعریف ایجاد کرده که حتی مواردی همچون مقاومت در برابر دستگیری توسط پلیس در یک تظاهرات معترضانه را هم می‌توان مصداقی از یک عمل مجرمانه مصداق تروریسم به‌شمار آورد (Clere, 2012: 40-41). بدیهی است چنین برداشت‌هایی در جریان ارزیابی اعمال به‌عنوان تروریسم، به‌هیچ‌وجه از سوی جامعه بین‌المللی و مراجع بین‌المللی حقوق بشر قابل قبول به‌شمار نمی‌رود (Fremuth, 2012: 1).

در کنار عدم موفقیت دادگاه ویژه لبنان در ارائه تعریفی جامع و قابل قبول از مفهوم تروریسم، می‌بایست به رأی نهایی صادرشده توسط دادگاه در اگوست ۲۰۲۰ اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد از منظر مبارزه با پدیده بی‌کیفرمانی مرتکبان تروریسم همچنین رعایت حقوق فردی متهمان هم توفیق چندانی به‌دنبال نداشته است.

در رأی مورخ ۱۸ اوت ۲۰۲۰ دادگاه ویژه لبنان در مورد چهار عضو حزب‌الله مشتمل بر سلیم جمیل عیاش، حسن حبیب مرعی، اسد حسن صبرا و حسین حسن اونیسی، همگی متهمان به‌جز عیاش تبرئه

شده و نامبرده به حبس ابد محکوم شد. این رأی که پس از ۱۵ سال فعالیت دادگاه و صرف بالغ بر ۹۷۰ میلیون دلار صادر شده، از جهات چندی قابل تأمل جدی است.

در مرحله نخست، اساساً رسیدگی غیابی دادگاه ویژه لبنان به اتهامات کلیه متهمین را نمی‌توان امر چندان مطلوبی از دیدگاه حقوق بشر محسوب کرد (1: Fremuth, 2012). محاکمه غیابی در مغایرت با ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شود که طبق آن متهم حق دارد تا به صورت حضوری محاکمه شود. میثاق مزبور محاکمه غیابی را حتی به‌عنوان یک استثنا هم نپذیرفته است (صالحی و خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۱۲۱). در این میان، استدلال مطرح‌شده برای توجیه محاکمه غیابی متهمان، مبنی بر ناامیدی از امکان دستگیری قریب‌الوقوع ایشان (Hassan, 2015: 403)، به نوبه خود نشان‌دهنده وجود گرایش به نوعی پیش‌داوری در اذهان تأسیس‌کنندگان دادگاه در مورد امری اثبات‌نشده محسوب می‌شود. نوعی پیش‌داوری که در عمل با تقویت ظن مبنی بر گرایش دادگاه به گرفتن انگشت اتهام به سمت دولت سوریه و حزب‌الله، موجبات ایجاد شائبه‌ای جدی در سیاسی بودن نهاد فوق و عدم بی‌طرفی کامل آن و در نتیجه تسهیل مسیر برای عدم حضور متهمان و یا دیگر افراد مؤثر در مسیر پیشبرد دادرسی را فراهم کرد. (صالحی و خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۱۲۷) در راستای همین پیش‌داوری، دادگاه در عمل نیز در هر دو تصمیم مورخ ۱ فوریه ۲۰۱۲ و ۲۰ دسامبر ۲۰۱۳، با استناد به عقیم ماندن اقدامات معقول به‌منظور تأمین حضور متهمان در دادگاه، حکم به محاکمه غیابی داد. با وجود این تا به امروز همچنان وجود مدارک و مستندات کافی نزد دادگاه بدوی برای اثبات آگاهی متهمان از محاکمه و به‌تبع آن خودداری از حضور در دادگاه، به‌عنوان شرط جواز محاکمه غیابی^۱، در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است (صالحی و خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

النهایه، ناتوانی دادگاه ویژه لبنان در شناسایی هرگونه پیوند واقعی و مؤثر میان یک دولت یا گروه سازمان‌یافته با ترور رفیق حریری، پس از پانزده سال تحقیق و فعالیت را نیز نه‌تنها نمی‌توان اقدامی مثبت در کارنامه دادگاه ویژه فوق، بلکه در مسیر مبارزه با تروریسم، از منظر مقابله با پدیده‌هایی همچون تروریسم دولتی و یا تأمین مالی تروریسم به‌شمار آورد.^۲

۱. طبق نظر شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه لبنان در ارتباط با احکام صادره توسط شعبه بدوی دادگاه، شروط جواز محاکمه غیابی عبارت‌اند از: ۱. برای ابلاغ شخصی تلاش‌های معقول صورت گرفته باشد. ۲. ادله قانع‌کننده در رابطه با ابلاغ به متهم، مبنی بر آگاهی یافتن وی از جریان دادرسی وجود داشته باشد. ۳. اقتناع ناشی از این ادله در حدی باشد که بر مبنای آن، بتوان غیبت متهم در دادرسی را به‌عنوان تصمیم وی برای عدم حضور عمدی در دادگاه تفسیر کرد (STL, 2012: Para.31).
۲. برای نمونه دادگاه ویژه لبنان، در رأی نهایی خود حکم به عدم اثبات هرگونه مشارکت رهبری سازمان حزب‌الله و یا

۴. نتیجه

اگرچه در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان و رویه قضایی آن تلاش فراوانی شده تا رسالت نهاد مزبور که همانا مجازات کردن افراد دخیل در ترور رفیق حریری و ترورهای دیگر مرتبط با آن در نظر گرفته شده، حاصل شود، با این حال بررسی رویه دادگاه مزبور در پرداختن به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، حاکی از وجود اشکالات جدی در این حوزه است.

در مرحله نخست، می توان گفت که ارزیابی کارنامه دادگاه ویژه لبنان، حکایت از عدم رعایت کامل اصل قانونی بودن جرم و مجازات دارد. به عبارت بهتر، تدوین کنندگان اساسنامه این دادگاه با علم به اینکه اشخاص دخیل در ماجرا احتمالاً افرادی غیر لبنانی و در درجات عالی از مسئولیت‌های سیاسی قرار دارند، سعی داشته‌اند تا مانع فرار آنها از مسئولیت شوند و این دغدغه موجب گسترش دامنه صلاحیت دادگاه و نیز جرائم احتمالی منتسب به این افراد شده است. در همین زمینه، دیوان در تصمیم تمهیدی خود در سال ۲۰۱۱ تلاش کرده تا این مشکل را حل کند. با این حال همچنان با این پرسش مواجهیم که چرا در صورت درستی نظر دادگاه، مبنی بر همپوشانی حقوق کیفری لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری در مواردی مانند مسئولیت مشترک کیفری و مسئولیت فرمانده، در اساسنامه دادگاه، حقوق کیفری لبنان برای رسیدگی به ماهیت اتهامات افراد، مبنای قرار داده نشده است.

در مرحله بعد، می توان گفت که تلاش دادگاه ویژه لبنان برای انطباق دادن تعریف موجود از تروریسم در قوانین لبنان با تعاریف موجود در این زمینه به موجب حقوق بین‌الملل کیفری، آنچنان که باید با استقبال جامعه بین‌المللی مواجه نشده است. نه تنها تلاش دادگاه برای انطباق قوانین داخلی لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری، فاقد شروط لازم برای چنین انطباقی محسوب می‌شود، بلکه از دید بسیاری از صاحب‌نظران عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، تلقی دادگاه از تعریف به‌عمل آمده از تروریسم به‌عنوان تعریفی برخوردار از خصوصیات یک عرف بین‌المللی نیز دارای اشکال به‌نظر می‌رسد. صرف‌نظر از عدم موفقیت دادگاه ویژه لبنان در ارائه تعریفی جامع و قابل قبول از مفهوم تروریسم، به‌نظر می‌رسد که این نهاد از منظر مبارزه با پدیده بی‌کیفرمانی اعمال تروریستی همچنین رعایت حقوق فردی متهمان هم توفیق چندانی به دست نیاورده است. فرایند منجر به صدور رأی دادگاه ویژه لبنان مورخ ۱۸ اوت ۲۰۲۰ در مورد چهار عضو

حزب الله، به صورت کاملاً غیابی انجام شده که در مغایرت با ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شود؛ فرایندی که طبق آن متهم حق دارد تا به صورت حضوری محاکمه شود. در این زمینه، استناد دادگاه ویژه لبنان به عقیم ماندن اقدامات معقول به منظور تأمین حضور متهمان در دادگاه، برای توسل به محاکمه غیابی نیز چندان قانع کننده به شمار نرفته؛ چراکه ابهاماتی جدی در مورد وجود مدارک و مستندات کافی نزد دادگاه بدوی برای اثبات آگاهی متهمان از محاکمه و به تبع آن خودداری ایشان از حضور در دادگاه، به عنوان شرط جواز محاکمه غیابی وجود دارد. در نهایت باید به ناتوانی دادگاه ویژه لبنان در شناسایی هرگونه پیوند واقعی و مؤثر میان یک دولت یا گروه سازمان یافته با ترور رفیق حریری اشاره کرد. مسئله‌ای که بر خلاف ابراز امیدواری‌های نخستین، گام مؤثری در مسیر مبارزه با تروریسم از منظر مقابله با پدیده‌هایی همچون تروریسم دولتی و یا تأمین مالی تروریسم تلقی نمی‌شود.

منابع

فارسی

الف) مقالات

۱. آقائی جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۸). تشکیل دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق کیفری بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹ (۲)، شماره پیاپی ۲، ۲۳-۴۴.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۸). دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری. تحقیقات حقوقی، ۴۹، ۱۴۵-۱۸۵.
۳. زر نشان، شهرام (۱۳۹۳). مفهوم و ماهیت «عنصر مادی» در فرایند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳، ۷۷-۹۹.
۴. شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۹۶). مبانی تحولات قانونی در قلمرو مداخله‌کنندگان در ارتکاب جرم. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱ (۱۵ پیاپی)، ۱۶۲-۱۳۵.
۵. صالحی، محمدخلیل و خسروشاهی، حسن (۱۳۹۶). محاکمه غیابی در دادگاه ویژه لبنان در سنجه حقوق بشر بین‌المللی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴، ۱۱۹-۱۴۴.
۶. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۳). مسئولیت کیفری بین‌المللی. تحقیقات حقوقی، ۱۵، ۱۷۰-۱۹۹.
۷. ورله، گرهارد (۱۳۸۷). جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر. ترجمه امیر ساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۹، ۵۹-۱۰۰.

A) Books

1. Ambos, K. (2011). 'Article 25: Individual Criminal Responsibility'. Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court, Second edition
2. Cupido, Marjolein. (2014) *Pluralism In Theories Of Liability: Joint Criminal Enterprise Versus Joint Perpetration*” In *Pluralism in International Criminal Law*. edited by Elies Van Sliedregt and Sergey Vasiliev, Oxford: Oxford University Press.
3. Evans, M. D. (2007). *Rome Statute of International Criminal Court (Statute of ICC)*. In *International Law Documents*, Eighth Edition. 428–77. Oxford: Oxford University Press.
4. Evans, M. D. (2007). *Statute Of The International Tribunal For The Prosecution Of Persons Responsible For Serious Violations Of International Humanitarian Law Committed In The Territory Of The Former Yugoslavia Since 1991(Statute Of ICTY)*.” In *International Law Documents*, Eighth Edition. 352–61. Oxford: Oxford University Press

B) Articles

5. Ambos, K. (2007). Joint Criminal Enterprise and Command Responsibility., *Journal of International Criminal Justice*, 5(1), 159-183.
6. Bassiouni, M. C. (1990). Functional Approach To General Principles Of International Law., *Michigan Journal Of International Law*, 11(3), 768-818.
7. Bogdan, A. (2006). Individual Criminal Responsibility in the Execution of A 'Joint Criminal Enterprise' In the Jurisprudence Of The Ad Hoc International Tribunal For The Former Yugoslavia. *International Criminal Law Review*, 6(1), 63-120.
8. Elberling, B. (2008). The Next Step In History-Writing Through Criminal Law: Exactly How Tailor-Made Is the Special Tribunal for Lebanon?. *Leiden Journal of International Law*, 21(2), 529 – 538.
9. Meloni, C. (2007). Command Responsibility; Mode of Liability for the Crimes of Subordinates or Separate Offence of the Superior? *Journal of International Criminal Justice*, 5(3), 619-637.
10. Milanovic, M. (2007). an Odd Couple Domestic Crimes and International Responsibility in the Special Tribunal for Lebanon. *Journal of International Criminal Justice*, 5(5), 1139-1152.
11. Saul, B. (2012). Special Tribunal for Lebanon and Terrorism as an International Crime: Reflection on Judicial Functions. The Sydney Law School Research Paper, n.12/64.
12. Vetter, G. R. (2000). Command Responsibility of Non-Military Superiors in the International Criminal Court (ICC). *Yale Journal of International Law*, 25(1), 89-143.

C) Reports

13. United Nations Security Council (2006). "Report Of The Secretary-General On The Establishment Of A Special Tribunal For Lebanon(Report Of UNSG On STL)." UN Doc. S/2006/839

D) Documents

14. Lebanese Criminal Code, 1943
15. Statute of International Criminal Tribunal for Rwanda (Statute Of ICTR), 1994. http://www.unict.org/sites/unict.org/files/legal-library/100131_Statute_en_fr_0.pdf.
16. Statute of Special Court for Sierra Leone (Statute of SCSL), 2002. <http://www.rscsl.org/Documents/scsl-statute.pdf>.
17. United Nations Charter
18. United Nations Security Council. Statute of the Special Tribunal for Lebanon (Statute of STL). UN Doc. S/RES/1757(2007), 2007.

E) Judgments

19. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY) , Prosecutor vs. Furundizija, International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991 (ICTY), Judgement in The Trial Chamber, Case No. IT-95-17/1-T (1998).
20. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), Prosecutor vs. Tadic, Judgement in the Appeal Chamber, Case No. IT-94-1-A (1999).
21. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), The Prosecutor vs. Blaskic, Judgement in The Appeals Chamber, Case No. IT-95-14-T (2000).
22. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), The Prosecutor vs. Kupernic, Judgement in The Trial Chamber, Case No. IT-95-16-T (2000).
23. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), The Prosecutor vs. Kvočka et al, Judgement in The Trial Chamber, Case No. IT-98-30/1-T (2001).
24. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), Prosecutor v Hadzihasanovic, Case No. IT-01-47-AR72 Judgment in Jurisdiction Appeal (2003).
25. International Criminal Tribunal for Former Yugoslavia (ICTY), Prosecutor vs. Momčilo Perišić, Judgement in The Appeal Chamber, Case No. IT-04-81-A, (2013).
26. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), The Prosecutor vs Clément Kayishema and Obed Ruzindana, Case No. ICTR-95-1-T, Judgement of Chamber II (1999).
27. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), The Prosecutor vs. Jean-Paul Akayesu, Judgement of Chamber I Case No. ICTR-96-4-T (1998).
28. Special Tribunal For Sierra Leone, The Prosecutor Against Issa Hassan Sesay Also Known As Issa Sesay, Case No. SCSL-03-07-I-001-B (2003).
29. Special Tribunal for Sierra Leone, the Prosecutor against Morris Kallon Also Known As Hilai Karim, Indictment Case No. SCSL-03-05-I-001-B (2003).
30. Special Tribunal for Lebanon, Decision on Appeal of Pre-Trial Judge's order regarding Jurisdiction and Standing, Case No. CH/AC/2010/02, (2010).
31. Special Tribunal for Lebanon, Interlocutory decision on the applicable law: terrorism, conspiracy, homicide, perpetration, cumulative charging, Case No. STL-11-01/I, (2011).
32. Special Tribunal for Lebanon, Prosecutor v Ayyash et al, Indictment, Pre-Trial Judge

Case No. STL-11-01/I/PTJ (2011).

33. Special Tribunal for Lebanon, Prosecutor v. Ayyash et. al., Appeals Chamber Decision on Defense Appeals against Trial Chamber's Decision on Reconsideration of the Trial in Absentia Decision, Case No. STL, 11-01- PT/AC/AR/126.1(2012)
34. Special Tribunal For Lebanon, The Prosecutor V. Salim Jamil Ayyash Hassan Habib Merhi Hussein Hassan Oneissi Assad Hassan Sabra,, Stl-11-01/T/Tc,(2020)

F) Thesis

35. Clere, Almiro, An Examination of the Special Tribunal Lebanon's Explosive Declaration of Terrorism at Customary International Law, Dissertation for the degree of Bachelor of Law, University of Otago, 2012.

G) Website

36. Fremuth, M. L. (2020) the Special Tribunal for Lebanon: After the Judgment in Ayyash et al., Justice at Last?
At: <http://opiniojuris.org/2020/10/26/the-special-tribunal-for-lebanon-after-the-judgment-in-ayyash-et-al-justice-at-last/>
37. Blanford, N. (2010) Is Hezbollah right that Israel assassinated Lebanon's Rafik Hariri?
At: <https://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2010/0810/Is-Hezbollah-right-that-Israel-assassinated-Lebanon-s-Rafik-Hariri>
38. Cornish, C., 'No evidence' Hizbollah leaders were behind murder of Rafiq Hariri
<https://www.ft.com/content/39f54c47-eacb-4925-8335-89fc73227a51>